

چراغ خورشید

سنڌ نرييت ڇپيندو

مجتمع آموزشي مفيد

(نسخه تير ماه ۱۴۰۰)

مصوب شده در هيئت مديره مجتمع آموزشي مفيد



مقدمه



مجتمع آموزشی مفید، ضمن برخورداری از اهداف آموزشی، در پی تربیت افرادی متدین و توسعه‌یافته است و تربیت دینی دانش‌آموزان، دغدغه اصلی مؤسسان مدارس مفید و هیئت مدیره مجتمع، بوده و هست.

مجتمع مفید در حال حاضر چهارده مدرسه در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم دخترانه و پسرانه دارد و عملکرد هر مدرسه بر اساس اسناد مجتمع و نیز ساختار مدرسه ارزیابی می‌شود. به علت اهمیت موضوع تربیت دینی و نیاز به یکپارچگی در نگرش و عملکرد مقاطع مختلف مدارس مفید، در مبانی و اصول این نوع تربیت، مجتمع مفید پژوهشی را در دستور کار خود قرار داد تا بر اساس آن، بتواند سند تربیت دینی را به شکلی صحیح و هماهنگ تدوین و ارائه کند. رسالت این سند، بیان مبانی، سیستم‌ها و روش‌ها به شکل کلی است و ادامه مسیر تا طراحی فرایندهای جزئی بر اساس ویژگی‌های هر مدرسه انجام خواهد شد.^۱ پس از مطالعه و تنظیم اولیه، این سند در هیئت مدیره مدارس مفید بررسی و تصحیح شد و سرانجام در بهار ۱۳۹۹ نسخه نهایی آن تصویب گردید. سپس این نسخه، در جلسات متعدد با همکاران فعال در سطح ستاد و مدارس مفید، مورد بررسی، و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برخی ابهامات آن، شناسایی شد. لذا نسخه جدید آن، که نسخه حاضر است، توسط کارگروه ترویج سند تربیت دینی، تنظیم شد و نهایتاً در خرداد ماه ۱۴۰۰، مورد تایید رییس محترم هیات مدیره مدارس مفید قرار گرفت.

برای روشن شدن نگاه مؤسس به موضوع تربیت دینی، سیزده سرفصل مهم در دو بخش «مبانی و اصول» و «روش‌ها»، به شرحی که خواهد آمد، تعیین و بررسی شد. هدف این سند، تعریف و تبیین این سیزده عنوان، از نگاه مؤسس و نیز هیئت مدیره مدارس است.

۱. در خصوص محتوای این سند بیان دو نکته ضروری است:

اول: محتوای سند، یک مجموعه منسجم و یکپارچه است؛ لذا استناد به بخشی از سند، و نادیده گرفتن بخشی دیگر، ارزش و کارایی سند را دچار خدشه جدی می‌کند.

دوم: ممکن است هریک از عناوین سند، به تنهایی، مورد توافق و اشتراک نظر برخی مراکز آموزشی و فرهنگی دیگر باشد. ولی کنارهم قرارگرفتن این عناوین و نگاه کل‌گرایانه به آنها، مجتمع آموزشی مفید را از سایر مراکز مشابه، کاملاً متمایز می‌سازد و این نقطه قوتی است که نباید از آن غافل بود.



در اینجا منظور از کاربرد عنوان "تربیت دینی"، نوعی از تربیت است که در برابر "تربیت غیردینی" قرار دارد. گستره این مفهوم، همه وجوه و ابعاد تربیت را شامل می‌شود و نقش‌مبنایی برای سایر ابعاد تربیت را برعهده دارد. به بیان دیگر، تربیت دینی، در عرض سایر حوزه‌های تربیت، از قبیل تربیت خانوادگی، تربیت اجتماعی، تربیت زیست‌محیطی، تربیت علمی، تربیت سیاسی و امثال اینها قرار ندارد؛ بلکه خطوط کلی همه حوزه‌های تربیت را مشخص می‌کند. بر این اساس، سایر اسناد مرتبط با این حوزه، نیازمند تطابق و سازگاری با این سند مبنایی، و بعضاً تجدیدنظر هستند.

همان‌گونه که اشاره شد تهیه برنامه عملیاتی مدارس با توجه به ویژگی‌های مخاطبان (سن و جنس) و متکی به سند تربیت دینی مصوب هیئت مدیره، تدوین و اجرا خواهد شد و برای طراحی فرایندهای مدرسه، علاوه بر مطالعات سند تربیت دینی، از مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز استفاده خواهد شد.

سرفصل‌های بخش اول، تحت عنوان «مبانی و اصول»، عبارتند از:

۱. دین‌داری؛
۲. سعادت، هدف دین‌داری؛
۳. دین و اخلاق؛
۴. احکام شرعی؛
۵. دین و عقلانیت؛
۶. دین و مدرنیته؛
۷. علم و دین؛
۸. حکومت‌داری و دین؛
۹. هم‌زیستی و تعامل با دگراندیشان.

سرفصل‌های بخش دوم، تحت عنوان «روش‌ها»، عبارتند از:

۱. اجبار و اختیار در تربیت دینی؛
۲. نقش و جایگاه مربی در تربیت دینی؛
۳. نقش اولیاء در تربیت دینی دانش‌آموزان و تعامل ایشان با مدرسه؛
۴. اصول و مبانی گزینش مذهبی دانش‌آموزان در مدارس مفید.



بخش اول - مبانی و اصول



۱- دین داری:

دین دار کسی است که باورها و سبک زندگی خود را بر مبنای مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و قواعد برآمده از منابع دینی به ویژه قرآن و سنت، شکل داده و عمل می‌کند.

مؤلفه‌های اصلی دین داری^۲ عبارتند از:

✿ باور به آموزه‌های اصلی دین، برآمده از قرآن و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)؛

✿ دل‌بستگی به خدا، داشتن گرایش معنوی و عواطف دینی؛

✿ پایبندی به اخلاق و ارزش‌های انسانی؛

✿ عمل به احکام.

رویکرد مطلوب مدرسه در تبیین و ترویج این مؤلفه‌ها، مبتنی بر عقل و فطرت است.



آموزه‌های دینی در مدرسه با زبان و منطق قرآن^۳ و اهل بیت (علیهم‌السلام) و با رویکرد استدلالی مطرح می‌شود و برای این کار، علاوه بر طرح درس کلاس‌های دینی، فرایندهای دیگری

۲. در مؤلفه‌های چهارگانه مذکور، ترتیب خاصی مدنظر نیست، بلکه بر اساس شرایط مخاطب (از حیث اقتضائات سنی، جنسیت، و علائق) می‌تواند روی برخی از مؤلفه‌ها، مقدم‌برداری، سرمایه‌گذاری اولیه انجام شود. ولی نباید فراموش کرد که این چهار مؤلفه، همگی شرط لازم و نه کافی، برای تحقق دینداری هستند.

۳. منظور از کاربرد زبان و منطق قرآن، الهام‌گیری از آیات قرآن، از جمله تمثیلات و قصه‌های قرآن برای اثبات ادعاهاست. برای مثال، منطق قرآن، در اثبات ادعای حقانیت قیامت، عمدتاً متمرکز بر رفع شبهه امتناع است؛ بدین معنا که رخداد قیامت، محال عقلی نیست. این روش را با ذکر مواردی از قبیل زنده‌شدن گیاهان در بهار و نیز فرآیند خلقت ابتدائی انسان، بازگو کرده‌است. در حقیقت، قرآن، بیش از آنکه به اثبات قیامت بپردازد، امتناع عقلی آن را با ذکر چند مثال، ابطال می‌کند.

بطور مشابه، به جای آنکه به اثبات عقلی ربوبیت خداوند، بپردازد، بدان پرداخته‌است که ربوبیت خداوند، در موقعیت‌های بحرانی زندگی هر فرد، به صورت طبیعی توسط خود فرد، احساس می‌شود؛ یعنی به جای «خدااثباتی» ما را به «خدااحساسی» دعوت می‌کند.

نیز تعریف می‌شود؛ فرایندهای جمعی همانند کلاس‌های اعتقادی و جلسات هفتگی، و فرایندهای فردی در قالب جلسات مشاوره با دانش‌آموزان درباره نوع نگاه آن‌ها به اعتقادات و آموزه‌های دینی.



۲- سعادت، هدف دین‌داری:

هدف از دین‌داری عبارت است از سعادت (دنیوی و اخروی) فرد و به تبع آن، سعادت جامعه بشری. سعادت انسان، دو محور دارد:

محور اول، ایمان و معرفت است. مقصود از معرفت، هر نوع فهمی از عالم است که سبب ارتقای درک انسان از توحید و مراتب آن می‌شود.

محور دوم، انجام عمل صالح است که از ترک محرمات و انجام واجبات آغاز شده و در مراتب بالاتر ادامه می‌یابد.

ایمان و معرفت، نقش محوری در نسبت با عمل صالح دارند، به گونه‌ای که خلوص نیت و قدرت اثر عمل هر شخص را، قوت ایمانی و ادراک توحیدی وی، رقم می‌زند.

اهتمام به پذیرش مسئولیت دینی در مقابل دیگر انسان‌ها با اولویت‌دهی به مصالح امت اسلام، از ویژگی‌های دیندار سعادت‌مند است و مدارس باید به آن توجه ویژه داشته باشند.

توضیح:



شکل‌گیری ایمان و افزایش عمق آن در دانش‌آموزان از مهم‌ترین اهداف تربیتی مدارس مفید است که برای وصول به آن، فرایندهایی متناسب با هر مقطع تحصیلی و با توجه به فطرت و عقلانیت، برای همه دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان تعریف می‌شود (در سنین پایین‌تر، این فرایندها با تبیین منشأ خوبی‌ها و زیبایی‌ها و در سنین بالاتر، بر اساس عقلانیت تعریف می‌شوند).

عمل، نتیجه مهم ایمان است و برای آموزش انجام واجبات و ترک محرمات، علاوه بر تعریف فرایند، بسترهای مورد نیاز مهیا می‌گردد. به عنوان مثال، برای برنامه نماز جماعت در مدرسه و در سفرهای مدرسه، زمان و مکان مناسبی در نظر گرفته می‌شود، یا از مواردی که می‌تواند بسترساز انجام فعل حرام باشد، اجتناب می‌گردد.

..... بخش اول - مبانی و اصول



علاوه بر آموزش و تدارک بستر مورد نیاز، رعایت مسائل شرعی نیز جزو مقررات مدارس مفید است. همچنین به آموزش علوم مختلف برای شناخت بهتر عالم و تقویت نگاه توحیدی و افزایش عمق ایمان توجه می‌شود.

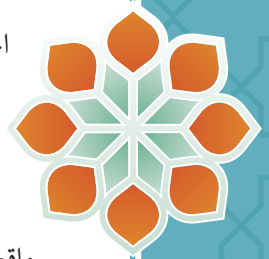
۳- دین و اخلاق:

اصول اخلاقی و حسن سلوک فردی و اجتماعی، فی‌نفسه ارزشمند است. کسی که بر اساس فطرت و وجدان، اقدام به انجام نیکی و دوری از بدی می‌نماید، فعل اخلاقی وی مأجور است. زیرا بنابر آموزه‌های دینی، ندای فطرت، ریشه در توحید و الهامات الهی دارد. به همین علت، دین بر آنها تأکید دارد، ولی دینداریِ تامّ و رسیدن به سعادت جامع در دنیا و آخرت (که ثبات قدم و آرامش روان از ارکان آن است) اقتضا می‌کند که رعایت فضیلت‌های اخلاقی، با پشتیبانی آموزه‌های دینی به‌ویژه توحید همراه گردد تا عمیق‌تر و ماندگارتر باشد و آرامش بیشتری را به ارمغان آورد. ضمناً تأکید بر این نکته ضروری است که حسن فاعلی (که نیت فاعل از ارکان آن است) درکنار حسن فعلی، اهمیت بی‌بدیل دارد. بر این اساس است که آموزه‌های دین نه تنها بر اخلاقیات تأکید کرده، بلکه آن‌ها را ارتقاء و توسعه داده است.

دانش‌آموزان مدرسه می‌آموزند که اخلاق یکی از ارکان دینداری است که بدون وجود آن دینداری به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. به نحوی که می‌توان از اهداف بلند رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را اكمال و اتمام مکارم اخلاق عنوان کرد. از این رو رعایت اصول اخلاقی و حسن سلوک فردی و اجتماعی فی‌نفسه به عنوان مرتبه‌ای از مراتب دین‌داری، ارزشمند و کمال آفرین است و آموزه‌های دین نیز به همین علت بر آن‌ها تأکید دارد. ولی اقتضای دین‌داری و رسیدن به سعادت جامع، آن است که فضیلت‌های اخلاقی با پشتیبانی آموزه‌های دینی به‌ویژه توحید، همراه گردد تا ماندگار و آرامش‌بخش شود.

۴- احکام شرعی:

مجموعه احکام عملی اسلام، در صدد تعیین و ارائه خط مشی زندگی فردی و اجتماعی انسان است و هدف غایی آن، دستیابی انسان به سعادت دنیوی و اخروی است. احکام عملی اسلام، نه تنها هیچ تعارضی با فضایل اخلاقی ندارند، بلکه در راستای آنها و حتی مقوم آنها هستند. به همین جهت، بسیاری از فضایل یا رذایل



اخلاقی تحت عنوان واجب یا حرام در مجموعه این احکام قرار گرفته‌اند و آنچه که عنوان واجب یا حرام ندارد نیز ذیل عنوان مستحبات یا مکروهات مورد تأکید و عنایت واقع شده است. احکام شرعی به دو دسته واقعی و ظاهری تقسیم می‌شوند. احکام واقعی تابع مفاسد و مصالح ذاتی موضوعات خود هستند که کسی جز خداوند متعال، عالم به تمامی آنها نیست. این احکام توسط خداوند متعال به حضرت رسول اکرم ﷺ و سپس به ائمه اطهار (علیهم السلام) ابلاغ شده است و آن حضرات نیز احکام واقعی را به مردم گفته‌اند. احکام ظاهری احکامی هستند که مکلفین در مقام عمل بر اساس آنها عمل می‌کنند و ممکن است منطبق بر احکام واقعی باشند یا نباشند.

توضیح:



در مدرسه، در آموزش احکام شرعی به همان مقداری که مورد نیاز حال دانش‌آموزان است بسنده می‌شود و از آموزش احکامی که ضروری نیست یا ممکن است ایجاد سؤال و شبهه جدی نزد دانش‌آموزان نماید، اجتناب می‌شود. همچنین، در آموزش احکام سعی می‌شود احکامی بیان شوند که مورد اختلاف نباشند و اگر لازم شد در بیان آنها کوشش می‌شود که ساده‌سازی انجام گیرد. در خصوص مرجعیت، مدرسه فقط ملاک‌های تعیین مرجع تقلید را که مورد قبول همه مجتهدین است، برای دانش‌آموزان تبیین می‌کند. برای ایشان توضیح داده می‌شود که در زمان غیبت، برای دست‌یافتن به احکام واقعی، چاره‌ای جز رجوع به منابع استنباط احکام وجود ندارد، ولی استنباط حکم شرعی از منابع آن، منوط بر این است که انسان در این راه به تخصص و آگاهی کافی نایل شود. حکمی که توسط مجتهد از منابع آن استنباط می‌شود، نظر تخصصی وی است و ممکن است مطابق با حکم واقعی باشد یا نباشد. اگر آن حکم ظاهری مطابق با حکم واقعی باشد و فرد به آن عمل نکند، در برابر خداوند مسئول است و اگر مطابق با حکم واقعی نباشد، در نزد خداوند معذور است. در طول زمان، به جهت احاطه بیشتر بر جوانب مختلف یک موضوع، ممکن است نظر

..... بخش اول - مبانی و اصول



یک مجتهد تغییر کند و افزایش دانش و تغییر نگرش، در تغییر فتوا مؤثر واقع شود. اما کسانی که در استنباط احکام شرعی تخصصی ندارند یا باید سعی کنند که خود در امر استنباط احکام شرعی تخصص پیدا کنند، یا در احکام شرعی احتیاط کنند به نحوی که یقین کنند حکم شرعی واقعی، هر چه باشد به آن عمل شده است، یا به متخصص رجوع کرده و در احکام خود، از وی تبعیت کنند، که به این امر «تقلید» گفته می‌شود.

۵- دین و عقلانیت:

عقل، موهبتی الهی و حجت باطنی انسان است. بدین معنا که می‌تواند چارچوبی معقول و موجه را برای شناخت عالم فراهم نماید. هم چنین عقل، ادراکات اولیه‌ای دارد که به کمک استدلال، آنها را توسعه می‌بخشد؛ مانند ادراک هستی خود و هستی عالم و امکان شناخت آنها^۴. معارف دینی هرگز با عقل و ادراکات آن در ستیز نیست و منابع اسلامی بکارگیری عقل و تفکر را ترویج کرده‌اند. به علاوه، یک انسان متدین باید بداند بسیاری از گزاره‌های دینی که به آنها به شکل تعبدی باور دارد، ضد عقلانی/خردستیز^۵ نیستند، بلکه صرفاً فراعقلانی/خردگریز^۶ هستند.

توضیح:



به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که میان معارف و آموزه‌های دینی و دست‌آوردهای عقل بشری، تناسب و هماهنگی وجود دارد. از این رو، با رشد عقلانیت و تعمیق تفکر، دین‌داری تحکیم می‌شود. در مواردی هم که گمان تعارض می‌رود، با بازنگری در فرآورده عقل یا فهم عمیق‌تر از دین، تعارض رفع می‌شود.

۴. لازم است توجه شود عقل، اطلاقات فراوانی دارد. مانند عقل معاش، عقل نظری، عقل عملی و... آنچه به عنوان حجت باطنی اطلاق می‌شود قوه‌ای در انسان است که حق و واقعیت را به کمک اولیات و استدلال می‌شناسد و سپس به آن عمل می‌کند.

۵. Irrational

۶. Meta-Rational

۷. عقل، مُدرک کلیات است. بنابراین به دو حیطه بیکرانگی و جزئیات نمی‌تواند ورود نماید. از این رو معارف احکامی که ناظر به این دو حوزه باشند، از دایره ادراکات عقلی خارج هستند که به این دلیل به آنها عقل‌گریز گفته می‌شود. مانند پرسش از کیفیت بیکران و یا پرسش از تعداد رکعات نماز صبح. اما اگر گزاره‌ای در محدوده معقولات باشد و با ادراکات عقلی در تعارض قرار گیرد، به عنوان گزاره عقل‌ستیز مطرح می‌شود. مانند امکان اجتماع نقیضین.

۶- دین و مدرنیته:



در اینجا «دین» را به معنای درک و فهم شیعیان از کتاب و سنت (به ویژه، آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)) در نظر می‌گیریم. مدرنیته، هستومند اجتماعی پیچیده‌ای است که به قولی، در قرن شانزدهم و در قاره اروپا، موجودیت یافت، و از آن زمان تاکنون، تحولات بسیاری را از سر گذرانده است. مدرنیاسیون فرایندی است که در آن، کوشش می‌شود باورها، مناسبات، نهادها و روابط در قلمروهای مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، متحول شوند تا با مقتضیات جهان مدرن انطباق پیدا کنند. بنابراین، مقصود ما از رابطه دین و مدرنیته در این سند، بررسی نحوه ارتباط دو نوع جهان‌بینی است که یکی برآمده از آموزه‌های دین است و دیگری از مدرنیته، استنتاج شده است.

از دیدگاه این سند، رابطه مطلوب بین دین و مدرنیته نه ناسازگاری و نه سازگاری کامل آن دو، بلکه تعامل به معنای امکان همزیستی و داد و ستد بین آن دو است. در جریان تعامل، به ویژه می‌توان راه‌هایی را برای رفع تعارض بین دیدگاه‌های دین و مدرنیته در برخی مسائل اصلی اندیشید. به عنوان مثال، داشتن برخی حقوق طبیعی برای انسان، فصل مشترک دیدگاه مدرن و آموزه‌های اسلام است. سازگاری‌های مشابهی بین دین و مدرنیته را می‌توان در مورد مؤلفه‌های دیگری چون اندیشه پیشرفت و تغییر جهان، برابری طلبی، آزادی طلبی، و دموکراسی نیز نشان داد. در مواردی همچون مادی‌گرایی و خودشناختی^۸ که به نظر می‌رسد تعارض، قابل حل نیست، باید توجه داشت تلازمی بین مدرنیته و چنین مؤلفه‌هایی وجود ندارد، و بسیاری از متفکران مدرن، چنین ایده‌هایی را قبول ندارند.

توضیح:



در مدرسه به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود دین و مدرنیته نه کاملاً سازگار و نه کاملاً ناسازگارند؛ بلکه در مواردی سازگار و در مواردی ناسازگارند. با این حال، بین آن دو می‌توان به تعامل، به معنای امکان همزیستی و داد و ستد قائل شد. از یک طرف، باید دانست مدرنیته به هیچ‌وجه امر کاملی نیست، و بدون اعتنا به

..... بخش اول - مبانی و اصول



آموزه‌های نظری و عملی دین، ناقص و در معرض خطا و گمراهی است. از طرف دیگر، معرفت دینی هم، نیازمند پالایش به کمک دستاوردهای خرد بشری است. زیرا ادراک ما از آیات و روایات متناسب با فهم ما رقم می‌خورد که لزوماً به طور کامل منطبق با مقصود آیات و فرمایش معصوم (علیه السلام) نیست. از این رو تقویت آگاهی نسبت به عالم و آدم توسط منابع معرفتی دیگر، منجر به فهم دقیق‌تر منابع دینی خواهد شد. بنابراین، چون مطلوب مدرسه، تربیت متدینی است که در دنیای مدرن زندگی می‌کند، چاره‌ای جز نقد، بازسازی و اصلاح، هم در فهم دین و هم در فهم مدرنیته نداریم. این به معنای آن نیست که فهم و معرفت دینی را تابع مدرنیته و منطبق با آن بسازیم؛ بلکه منظور این است که با پالایش و بازتفسیر مناسب ذخیره‌های نظری و اخلاقی و معنوی فراوان در سنت اسلامی، و نیز با زدودن بدعت‌ها و افزوده‌های ناروا به دین، و همچنین توجه به هسته اصلی و مرکزی دین و با بهره‌مندی از سنت‌های عقلانی مدرنیته، چارچوب نظری و عملی عادلانه، عقلانی، هماهنگ، و سازگار از معرفت دینی ایجاد کنیم.

۷- علم و دین:

علوم تجربی به شناخت ما از واقعیت کمک می‌کنند. این علوم نه در تعارض با آموزه‌های دین هستند و نه با آن‌ها تباین کامل دارند. به علاوه، علوم تجربی و معارف دینی با یکدیگر هم‌پوشانی ندارند و متداخل در هم نیز نیستند. هیچ‌کدام نیز جزئی از آن دیگری نیست.

اما می‌توان گفت میان علم و دین رابطه تعاون وجود دارد. به عبارت دیگر، علم و دین نه تنها سازگارند، بلکه می‌توانند مکمل هم نیز باشند. هر کدام از آن‌ها ویژگی‌هایی را از جهان هستی ارائه می‌دهند و مجموعه این ویژگی‌ها می‌تواند تصویر کامل‌تری از جهان هستی در اختیار بشر قرار دهد.



علوم تجربی، به عنوان یکی از منابع معرفت بشری و محصول نظریه‌پردازی، آزمون تجربی و پژوهش نقادانه دانشمندان و متفکران محسوب می‌گردد. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند هر چند علوم تجربی به شناخت ما از واقعیت کمک می‌کند، اما همواره در



معرض تصحیح و اصلاح است. بنابراین، هیچ نظریهٔ تجربی نمی‌تواند دیدگاهی کاملاً درست، نهایی و کامل را درباره جهان هستی بیان کند. از طرف دیگر، هر چند هدف از ارسال پیامبران و کتب آسمانی، آموزش علوم تجربی به بشر نبوده است، اما آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر یادگیری علوم و فنون دارند. به علاوه، چون خداوند، هم ارسال‌کنندهٔ دین و هم آفرینندهٔ طبیعت است، در جایی که علم و دین قلمرو یکسانی دارند و راجع به امر واحدی صحبت می‌کنند، تعارض بین علم و دین محلی از اعراب نخواهد داشت. بر همین اساس، می‌توان برای فهم بهتر برخی از گزاره‌های دینی از علوم تجربی هم بهره برد. در کلاس‌های درس مدرسه، علوم تجربی با این نگاه آموزش داده می‌شوند که برای یک دانش‌آموز متدین، این علوم علاوه بر این که حیثیت خدمت‌رسانی به انسان‌ها را دارند، نفس تحقیق در آن‌ها و توجه به عمق و بنیادهای آن، ارزش معرفتی داشته و سبب افزایش وسعت و عمق نگرش علمی و توحیدی فرد مؤمن خواهد شد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند همه پدیده‌های طبیعت، جلوه‌ای از علم و قدرت خداوند هستند و انسان‌ها را نه تنها به خالقیت خداوند، بلکه به ربوبیت او نیز هدایت می‌کنند.

از این رو، مدرسه تلاش می‌کند در کلاس‌های علوم پایه، دانش‌آموزان تا حد امکان با مبانی فلسفی علوم آشنا شوند، زیرا این آشنایی می‌تواند سبب حیرت علمی، شناخت بیشتر حدود و توانمندی‌های علم، درک رابطه معقول علم با دین و معرفت دینی و همچنین ایجاد انگیزه برای تحقیق بیشتر باشد.

۸- حکومت‌داری و دین:

احساس مسئولیت اجتماعی و ظلم‌ستیزی، یک ارزش اساسی در آموزه‌های دینی است.^۹ همچنین دین در عرصه رفتار اجتماعی و حکومت، دارای آموزه‌هایی ارزشمند است، البته شرط تحقق معارف دین در اجتماع و حکومت، خواست اکثریت افراد آن جامعه است. پیرامون اصل تشکیل حکومت اسلامی و چگونگی آن، نظریه‌های مختلفی در میان عالمان دینی وجود دارد. لذا لازم است مبانی و اصول معرفتی دین، آموزش داده

۹. به عنوان مثال، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران، یک حرکت ظلم‌ستیز و در جهت اصلاح امور بود، و لذا سزاوار تجلیل است.

..... بخش اول - مبانی و اصول

شود و نظریه‌های مختلف راجع طرح شود، ولی مصداقی از حکومت‌ها و افراد ذکر نشده، و قضاوت و تعیین مصداق به دانش‌آموزان واگذار گردد.



در مدرسه فرایندهایی برای تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان آموزه‌ای دینی طراحی و اجرا می‌شود. همچنین، برای تجلیل از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌هایی تعریف شده و از آن به عنوان حرکتی رو به رشد در مقطع تاریخی ملت ایران یاد می‌شود.

۹- هم‌زیستی و تعامل با دگراندیشان:

دنیای معاصر، ضرورت ارتباط ادیان و مذاهب، و هم‌زیستی پیروان آنان را شدت بخشیده و مومنان به هر آیینی لازم است در تعامل با دیگران، رفتار و منش اخلاقی را پیشه خود سازند. این گونه تعامل اخلاقی با دیگران به روشنی از آیاتی این چنین در قرآن قابل استنتاج است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳): با مردم [به زبان خوش] سخن بگویید؛ و همین‌طور، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب، ۷۰): ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید.

مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) نیز با پیروی از این آیات، پیروان خود را مجهز به باور صحیح و اخلاق حسنه نموده و از آن‌ها می‌خواهد در مواجهه با دیگران، ضمن حفظ باورهای دینی خود، از فرصت ارتباط با دیگران جهت شناساندن تعالیم مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) و جذب دیگران به آن استفاده کند. به عبارت دیگر، ارتباط با دیگران و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان نباید باعث شود یک مسلمان پیرو اهل بیت (علیهم‌السلام) سنت‌های دینی، آداب و اخلاق خود را از دست دهد، بلکه باید منجر به جذب دیگران به چنین آموزه‌هایی شود. رویکرد تربیتی مجتمع مفید، تربیت جوانانی است که این هدف را تحقق بخشند.



در مدارس مفید، ضمن آموزش باورهای صحیح و مستدل شیعی به دانش‌آموزان، چگونگی تفاهم و هم‌زیستی با پیروان مذاهب و ادیان دیگر نیز آموزش داده



می‌شود. تربیت یافته مجتمعه مفید از رفتارهایی که زینت مکتب است، بهره می‌گیرد و بر جذب، نه دفع، تکیه می‌کند. دانش‌آموزان مفید یاد می‌گیرند که در تعامل با دیگران، همواره این فرموده امام صادق (علیه السلام) را نصب‌العین خود قرار دهند: «**كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكَلِمَاتِكُمْ عَنِ الْفُضُولِ وَقَبِيحِ الْقَوْلِ**» (بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۶۱): زینت ما باشید نه باعث ملامت و سرزنش ما، با مردم نیکو سخن بگویید، و زبانتان را حفظ کنید و آن را از زیاده‌روی و زشت‌گویی بازدارید.

محیط تربیتی مفید نیز باید به گونه‌ای باشد که چگونگی زیستن در جهان امروز را که ارتباطات گسترده در میان اقوام و ملل و نخل شکل گرفته، برای دانش‌آموزان فراهم، و آن‌ها را به گونه‌ای تربیت کند که بتوانند در هر محیطی که بسر می‌برند، حافظ باورها و منش اسلامی خود باشند و در دیگر فرهنگ‌ها هضم و جذب نشوند.

دانش‌آموخته مفید از رفتارهای سبک، غیرمنطقی و افراطی خصوصاً در تعامل با دگراندیشان، پرهیز می‌کند، و شرایط تربیت محیطی و تاثیر آن در پذیرش باورهای غیرمنطقی دیگران را درک می‌کند. وی، در چارچوب شریعت و اخلاق، تعامل با دیگران را به عنوان یک اصل می‌پذیرد و با پیروی از آیه ۶۴ سوره آل عمران، بیشتر بر مشترکات اعتقادی و رفتاری تکیه می‌کند: «**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ**»: بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد، پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].



بخش دوم - روش‌ها



۱- اجبار و اختیار در تربیت دینی:

انسان از یک سو، خداگرا و کمال‌طلب، و از سوی دیگر، فطرتاً آزادی‌خواه و اجبارگریز است. لذا برنامه تربیتی مدرسه باید با توجه به هر دو ویژگی فطری انسان، طراحی و پیاده‌سازی شود. هر چند آرمان تربیتی مجتمع، تربیت دانش‌آموختگان متدین، متخلّق و اثرگذار است، ولی باید توجه داشت که به استناد آیات کریمه قرآن، هیچ‌کس را نمی‌توان با اجبار و تحمیل، وادار به دین‌داری کرد. رکن اصلی دین‌داری، پذیرش قلبی آموزه‌های دینی خصوصاً توحید و معاد و رسالت پیامبر ﷺ است که از آن، به ایمان تعبیر می‌شود.

رسالت مدارس در این میان تمهید حداکثری شرایط برای پذیرش قلبی آموزه‌های اسلامی توسط دانش‌آموزان و توجیه برنامه‌های مدرسه برای والدین آن‌ها و همچنین رفع موانع احتمالی موجود در مسیر این پذیرش قلبی است. این تلاش مسئولان مجتمع و مدارس باید به گونه‌ای باشد که گویی نقش پیامبران ﷺ را در دیندار کردن مخاطبان خود ایفا می‌کنند.

این ترکیب، یعنی «دل‌سوزی با تمام وجود و عدم اجبار و اکراه» باید در رفتار و گفتار و در دل متولیان تعلیم و تربیت مدارس موج بزند تا آثار پر برکت آن در دانش‌آموزان تحقق یابد. در فضای مدرسه دو عامل بسیار تعیین‌کننده در پذیرش و عدم پذیرش تربیت دینی وجود دارد: یکی فضا و جوّ کلی حاکم بر مدرسه (که قابل مدیریت و کنترل است)، و دیگری همه نیروهای فعال در مدرسه (از مدیر گرفته تا مربیان و نیروهای خدماتی و به ویژه، معلمان مدرسه).

توضیح:



به منظور تحقق اهداف تربیت دینی، و با عنایت به کلیات فوق، آنچه از مدارس انتظار می‌رود عبارت است از:

۱. برنامه‌ریزی هوشمندانه برای آشنایی و انس با قرآن؛



۲. تدارک برنامه‌های بینش‌افزا بر پایه آموزه‌های برآمده از قرآن و روایات معتبر؛
۳. تبیین مفاهیم کلیدی حوزه دین‌داری متناسب با اقتضائات سنّی دانش‌آموزان هر پایه (مفاهیمی از قبیل توحید، بندگی، تقوا، صبر، توکل، حیات طیبه، حیات دنیوی و حیات اخروی)؛
۴. ترغیب و تشویق جمعی و فردی دانش‌آموزان به انجام تکالیف و آداب دینی و فضاسازی مناسب برای ایجاد همراهی بیشتر دانش‌آموزان با برنامه‌های تربیتی مدرسه در حوزه احکام شرعی به ویژه نماز و روزه؛
۵. ایجاد شرایط انتخاب و آزادی عمل دانش‌آموزان در انجام وظایف دینی؛
۶. حذف حداقلی دانش‌آموزان صرفاً به علت عدم همراهی با مدرسه در انجام وظایف دینی، ضمن حفظ حساسیت نسبت به دانش‌آموزی که سایر دانش‌آموزان را نسبت به آداب دین‌داری بی‌انگیزه می‌کند؛
۷. ایجاد شرایط مباحثه و پرسش و پاسخ در زمینه آموزه‌های دینی، خصوصاً برای مقطع متوسطه؛
۸. شرکت حداکثری مربیان و همکاران مدرسه در نماز جماعت مدرسه؛
۹. جلب مشارکت فعال والدین دانش‌آموزان در ایجاد فضای مناسب در خانواده؛
۱۰. تبدیل نمازخانه مدرسه به بهترین و زیباترین مکان مدرسه؛
۱۱. تعریف زمان اختصاصی برای اقامه نماز جماعت و پرهیز از تعریف و انجام فعالیت‌های موازی در زمان اقامه نماز.

۲- نقش و جایگاه مربی در تربیت دینی:

در محیط مدرسه، همه نیروها، شامل مدیر، مربیان، معلمان و حتی نیروهای خدماتی، خواسته یا ناخواسته، اثر تربیتی دارند. لذا حساسیت مدرسه در مقوله انتخاب و نگهداشت کادر و معلمانی که در رفتار و گفتار آنها، باور نسبت به آموزه‌های اسلامی شیعی آشکار باشد، باید دو چندان شود و استثنایی در آن رخ ندهد. وجود چنین نیروهایی در سمت‌ها و سطوح مختلف مدرسه، از ضروریات تحقق اهداف و آرمان‌های تربیت دینی است. در این میان، فرمایشات نورانی و گهربار علی (علیه السلام)، بسیار راهگشاست:



«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ». آن که خود را در جایگاه پیشوایی مردم قرار می‌دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم، به مؤدب نمودن خود اقدام کند، و پیش از آنکه دیگران را به گفتار، ادب نماید، باید به کردارش مؤدب به آداب باشد، آری آن که خود را پیام‌ور و ادب نماید، به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را پیام‌ور و تأدیب کند (نهج البلاغه: حکمت ۷۳).

از سوی دیگر، پیرامون نوع نگاه به معلم و مربی لازم است جایگاه ایشان برای دانش‌آموز، به صورت یک جایگاه غیرمطلق نشان داده شود؛ به این معنی که هیچ‌کس جز معصومین (علیهم‌السلام) بی‌عیب و نقص نیست و در همه افراد، با نسبت‌های متفاوتی، ترکیبی از باورها، صفات و رفتار درست و غلط وجود دارد. به بیان دیگر، دانش‌آموزان، باید به گونه‌ای تربیت شوند که هم از جنبه‌های مثبت نیروهای فعال در مدرسه، الگوبرداری مثبت کنند و هم بتوانند جنبه‌های منفی آنان را تشخیص دهند و از تبعیت از آنها فاصله بگیرند. ضمناً بیان امیر مؤمنان، علی (علیه‌السلام) باید مورد تأکید قرار گیرد که فرمود: «إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يُعْرِفَانِ بِأَقْدَارِ الرِّجَالِ، إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ، وَاعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۲).

میزان حساسیت مدرسه در این موضوع، باید تابع میزان اثرگذاری هر یک از همکاران باشد. بر این اساس، به عنوان مثال، درباره معلمان دروس دینی و قرآن و همچنین مدیر مدرسه، کادر تمام وقت و معلمان راهنما، باید دقت و سخت‌گیری بیشتری صورت گیرد. به منظور شفاف‌سازی و تعیین معیارهای جذب و نگهداشت همکاران، تشکیل یک کمیته تخصصی ضروری است. اسناد خروجی این کمیته در نهایت باید به تصویب هیئت مدیره مدارس مفید برسد.



پیرامون نوع نگاه به معلم و مربی لازم است جایگاه ایشان برای دانش‌آموز، به صورت یک جایگاه خاکستری معرفی شود. به این معنی که هم از جنبه‌های مثبت او اثرپذیری

۱۰. همانا حق و باطل، به میزان بزرگی و کوچکی شخصیت افراد، وابسته نیست، تو باید ابتدا حق را بشناسی، سپس اهلش را خواهی شناخت، و نیز ابتدا باید باطل را بشناسی تا اهلش را بشناسی.



رخ دهد و هم جنبه‌های منفی او دیده شده، مورد پذیرش قرار گیرد. با این وصف، حائز اهمیت است که تعامل ناهم‌تراز نیز به دانش‌آموزان آموزش داده شود؛ یعنی، هر دانش‌آموز در مواجهه با یک فرد، علاوه بر سنجش سخن او با اصول و مبانی، عناصر شخصیت، تجربه و دوره‌آشنایی با وی را نیز به عنوان ملاکی برای اعتبار آن سخن در کنار ملاک‌های دیگر در نظر بگیرد.

علاوه بر مطالب فوق، به علت هدف مدارس مفید که تربیت دینی در کنار تربیت علمی دانش‌آموزان است، اعتقاد و پایبندی عملی معلمان و مربیان مدارس به معارف و مسائل تشریحی دینی، ضروری است.

۳- نقش اولیاء در تربیت دینی دانش‌آموزان و تعامل ایشان با مدرسه:

فرزندان، مهم‌ترین و با ارزش‌ترین سرمایه‌های اولیاء هستند؛ لذا تربیت فرزندان، حق و وظیفه ایشان است و قابل واگذاری به غیر نیست. موفقیت در امر تربیت کودکان و نوجوانان نیازمند همراهی اولیاء و مدرسه و داشتن آرمان تربیتی مشترک است. از این رو، انتظار می‌رود اولیاء سرمایه‌های خود را به مدرسه‌ای بسپارند که هماهنگی و همراهی کافی در سبک تربیتی با آنان داشته باشد. مدرسه نیز وظیفه خود می‌داند دانش‌آموزانی را برای تحصیل در مفید بپذیرد که اولیایی همراه با اهداف و سیاست‌های تربیتی مفید داشته باشند. این همراهی به معنای شباهت کامل در همه ابعاد نظری و عملی نیست، بلکه به معنی پذیرش مشی تربیتی مفید و پشتیبانی کافی از آن است.

توضیح:



همراهی اولیاء در زمینه‌های مختلف از جمله همراهی در نگرش تربیتی، همراهی در نگاه مذهبی و عمل خانواده، به شرح زیر، قابل توضیح است:

الف- همراهی اولیاء در نگرش تربیتی با یکدیگر و با مدرسه:

بر این باوریم که اولین و مهم‌ترین مسئول در تربیت کودک، خانواده است و این مسئولیت قابل واگذاری کامل به هیچ سازمان یا نهاد دیگری نیست. اگر مدرسه هم صاحب حقی می‌شود، به دلیل مراجعه و تفویضی است از طرف خانواده که

..... بخش دوم- روش ها



مدرسه را در محدوده زمانی خاص، صاحب این حق می‌کند. بنابراین، اولیاء ابتدا باید خودشان در مبانی و اهداف تربیتی به اتفاق نظر برسند، سپس با اهداف تربیتی مدرسه نیز، هم‌سو شوند.

همچنین از اولیاء انتظار می‌رود ضمن تعامل با مدرسه از به کار بردن روش‌هایی که مدرسه منع کرده پرهیزند. مدرسه نیز هنگام گزینش، برای ایجاد هماهنگی‌های لازم در اهداف و روش‌های تربیتی خود، ضمن آگاهی دادن به خانواده‌ها در مورد مبانی و اهداف تربیتی‌اش، برنامه‌هایی برای تعامل و تبیین دقیق‌تر موضوع برای اولیاء طراحی و اجرا می‌کند.

ب- همراهی در نگاه مذهبی:

بنیان‌گذاران مفید، تربیت بر مبنای تعالیم قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) را برگزیده‌اند و بنای ارائه خدمات به خانواده‌های مذهبی را داشته‌اند. خانواده‌های مذهبی مورد نظر مجتمع آموزشی مفید، خانواده‌هایی مسلمان و شیعه هستند که نسبت به تربیت مذهبی فرزندان خود غافل و بی‌اعتنا نیستند. آن‌ها در تربیت دینی فرزندان خود شیوه معتدلی دارند و از افراط و تفریط در این زمینه پرهیز می‌کنند. این خانواده‌ها تلاش می‌کنند در تربیت فرزندان خود تا آنجا که ممکن است دستورالعمل‌های دینی و اعتقادی را از طریق ایجاد محیط تربیتی مناسب، در فرزندان خود درونی سازند. از خانواده‌ها انتظار می‌رود آموزش‌های مدرسه را پشتیبانی نمایند و اقدامات لازم را در منزل و خانواده، برای نتیجه‌گیری بهتر برنامه‌های آموزشی مدرسه انجام دهند.

ج- همراهی عملی (خانواده، الگوی عمل):

عمل والدین بسیار اثرگذارتر از بیان آن‌هاست. بنابراین، اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی آن‌ها باشند. اگر والدین دروغ‌گویی را نمی‌پسندند، اول خود باید صادق باشند؛ اگر احترام به بزرگ‌تر را طالب هستند، خود باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارند؛ و اگر به نماز و حجاب فرزندان خود علاقه‌مندند، ابتدا خود باید در عمل به نماز و حجاب اهمیت بدهند.



۴- اصول و مبانی گزینش مذهبی دانش آموزان در مدارس مفید:

هدف از تأسیس مدارس مفید، تربیت فرهیختگانی مؤمن با ویژگی‌های شهروند مطلوب جهانی است. برای رسیدن به این هدف، باید دانست که اولین و مؤثرترین رکن در سیاست‌گذاری آموزشی و تعلیم و تربیت، ویژگی‌های دانش‌آموزان ورودی به مدارس است. گرچه بر اساس آموزه‌های دینی، هر انسانی پاک و «مولود بر فطرت» است، ولی به واسطه نقش خانواده و محیط در تربیت، لازم است بر مبنای روش‌های رایج در مجموعه مدارس مفید، صلاحیت دانش‌آموز برای ورود به هر یک از مدارس احراز گردد. یعنی، اگر طی مراحل گزینش در نهایت منجر به دستیابی به پاسخ مثبت یا منفی در مورد متقاضی نشد، اصل، عدم احراز صلاحیت وی است. بعلاوه، بر این نکته نیز تأکید می‌گردد که در تشخیص دانش‌آموز حائز شرایط، با توجه به مقطع پذیرش، خانواده و دوستان او نیز به عنوان «قرائنی راهنما» در کنار دانش‌آموز باید مورد توجه قرار گیرند.

نکته قابل توجه دیگر این است که در گزینش دینی و اخلاقی باید به آثار «پذیرش» و «عدم پذیرش» داوطلبان توجه کافی نمود؛ به این نحو که گاهی پذیرش، برای پذیرفته‌شدگان و خانواده‌های ایشان، تصور مطلوبی از حیث دینی و اخلاقی و برای پذیرفته‌نشده‌گان تصور نامطلوبی را در پی دارد و این تصور و صبغه‌پذیری می‌تواند در آینده و حال برای هر دو گروه، مثبت یا خطرناک باشد و با هدف تربیت دینی داوطلبان ناسازگار باشد.

توضیح:



باید توجه داشت که گزینش، امری نسبی است و باید بر اساس معیارها و متغیرهای دقیق علمی و دینی و شرایط زمانی و توان سازندگی مدارس مفید انجام شود. همچنین باید به تنوع محیط و تغییرپذیری نسل امروز توجه کرد. باتوجه به نکات پیش‌گفته باید موارد ذیل تعیین شوند:

الف- معیارهای مورد نیاز جهت سنجش تدین:

۱. معیارهای گزینش دانش‌آموز؛
۲. معیارها نسبت به خانواده، دوستان و شرایط محیطی؛

۳. معیارها و شرایط گزینش گرها؛

۴. معیارهای تعیین توان آموزشی و تربیتی مدارس.

ب) راهکارهای تعیین معیارها:

۱. توجه به وضعیت عینی جامعه؛

۲. تبیین ویژگی‌های فارغ‌التحصیل مطلوب؛

۳. نظرخواهی از مدیران و مربیان مطلوب؛

۴. تعیین مصادیق دین‌داری.

به منظور سامان بخشیدن به امر گزینش و تعریف معیارهای فوق، کمیته‌ای تشکیل خواهد شد که مصوبات آن در نهایت باید به تایید و تصویب هیئت مدیره مجتمع برسد.



این سند در جلسات متعدد هیات مدیره مجتمع آموزشی مفید، و سپس جلسات توجیهی و مشورتی مدیران و کادر مدارس مفید، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً متن حاضر، در خرداد ۱۴۰۰ مصوب شد. همچنین مقررگردید برای مدت سه سال تحصیلی، با مسولیت رییس مجتمع، به صورت آزمایشی، در سطح همه مدارس تحت پوشش، اجرا گردد. بدیهی است مسولیت اجرای سند در سطح هر یک از مدارس، برعهده مدیر مدرسه است.

ضمناً **اندیشکده مطالعات راهبردی مفید**، به عنوان مسول تبیین و ترویج سند در سطح مدارس تابعه و نیز تدوین پیش نویس نسخه آتی آن، طی سه سال پیش‌رو، تعیین گردید.

پایان سند تربیت دینی مجتمع آموزشی مفید

